



## پژوهشی در فن پارچه بافی در

# دوران صفویه در ایران

در سال ۱۰۰۰ قمری به پایتختی انتخاب شد لیکن شاه عباس از سال ۱۰۰۶ عملاً به انجام چنین کاری مبادرت کرد. تاریخ اتمام احداث میدان نقش جهان سال ۱۰۱۱ قمری بوده ولی قبل از آن تاریخ در محل فعلی میدان باغ بزرگی وجود داشت به نام نقش جهان با کوشکی که با صورت ها و انواع نقش ها آراسته شده بود و به این مناسبت آن را باغ نقش جهان می گفتند. در زمان سلاجقه این میدان را کوشک میدان می گفتند. (دکتر هنرفر - استاد دانشگاه اصفهان و رئیس باستان شناسی - شماره ۱۰۰۵ - صفحه ۲)

تمام سیاحان که از اصفهان دیدن نموده اند؛ میدان نقش جهان را از زیباترین میدانی جهان می شمارد و طول آن را ۶۹۰ و عرض آنرا ۲۳۰ قدم نوشته است. پیتر دولاواله - سیاح ایتالیایی - که در سال ۱۰۳۱-۱۰۲۵ قمری در ایران به سر می برد؛ معتقد است که این اثر با بهترین آثار مسیحیت برابری می کند و بدون تردید بر آنها مزیت دارد. چهار دور میدان دارای نهر آبی است که با آجر و آهک و ساروج ساخته شده است و بالای نهرها تمام از دو طرف سنگهای بزرگ فرش شده است و منبع آب آن رودخانه بوده است.

دولاواله به دو مسجد واقع در کنار میدان مسجد جامع عباسی یا شاه (امام) و مسجد شیخ لطف الله و موزونی ساختمانهای دور تا دور میدان و حفظ تناسب در معماری که زیبایی خاصی به میدان بخشیده، اشاره نموده است. همچنین پروفیسور هینچ - ایران شناس معاصر آلمانی - درباره میدان نقش جهان چنین می نویسد: میدان شاه در مرکز

### مختصات میدان نقش جهان

#### در دوره ی صفویه

طرح مجموعه با ارزش و کم نظیر میدان نقش جهان و بناهای با شکوه پیرامون آن و شبکه های بازارهای وابسته به آن از جمله قیصریه را باید از شاهکارهای شهرسازی و معماری جهان اسلام است.

هر دو میدان (میدان کهنه و میدان نقش جهان) در طول تاریخ پیوسته نقش اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی خود را ایفا کرده اند اما از زمانی که میدان کهنه، فضای باز خود را از دست داد این نقش به تنهایی بر عهده میدان نقش جهان گذاشته شد. میدان نقش جهان با بازار پیوستگی جدا نشدنی دارد. این میدان در عمر چهار قرن خود بویژه در گذشته و تا قبل از صنعتی شدن اصفهان کارکردهای بسیار متنوعی را بر عهده داشته است.

بنای میدان نقش جهان را باید از شاهکارهای معماری ایران و جهان دانست. شاه عباس اول که در سال ۹۹۸ قمری به اصفهان آمد؛ اولین حرکت شهرسازی را با طرح ریزی این میدان با شکوه آغاز کرد. توسعه شهر اصفهان و تغییر و تحولات عظیم آن از موقعی آغاز شد که این شهر





## با پیدایش پارچه های خارجی که در اوایل سلطنت شاه عباس به وسیله تجار انگلیسی و هلندی و روسی به ایران وارد کردند؛ اثرات بدی روی بازار ایران و مردم گذاشتند و مردم اقبال از پارچه های خارجی نمودند ولی شاه عباس به فوریت جلوی این کار را گرفت و ششم تجارت و توانایی و سرمایه خود را به کار بست.

زعفران مشهد، نخودچی و آجیل و دیگر حبوبات تولیدی ایران پایاپای نموده و از ایران به کشورهای اروپایی صادر نمایند و تجارت خود را رونق دهند از اواخر قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) نیز تمایل شدیدی به جنبه ی تصویری و نقش و نگار ظاهر شده و کم کم قوت گرفت.

به هر حال بر اثر توجه خاص سلاطین صفوی و اهمیتی که به صنعت نساجی می دادند؛ بافتن پارچه های ابریشمی رنگ پرنگ که گاهی با رشته های نقره تزئین می شد؛ بافته است.

اما تزئینات این نوع پارچه ها عموماً از موضوعات داستان های شاهنامه و منظومه های شعری معروف ایران و یا مناظری از شاهزادگان و طبقه اشراف در شکارگاه ها بود. علاوه بر این مناظری از جشن هایی که در باغ و گلزار و هوای آزاد تشکیل می یافت و یا از گل های زیبایی که در قرن های دهم و پانزدهم هجری (شانزدهم و هفدهم میلادی) زیاد در تزئین منسوجات ایرانی به کار رفته مانند گل سوسن و زنبق و گل سرخ و ... در پارچه های مختلف به کار رفته اما از حیوانات که در منسوجات به کار برده شده اند اشکال حیوانات درنده و خرگوش و آهو و طوطی است و گذشته از همه ی اینها اشکال درخت سرو و نارون عموماً درختهای مخروطی شکل را جزء اشکال تزئینی منسوجات آورده اند. تمام این موضوعات که برای زینت دادن پارچه ها به کار می رفت و موضوعات دیگری از قبیل مناظر طبیعی و سایر مناظر از قبیل سرگذشت خسرو و شیرین یا لیلی و مجنون همه در صفوف افقی به طوری مرتب می شد که به منسوجات دوره صفوی طراوت و زیبایی بی نظیری می داد و بر ارزش فنی آنها می افزود.

(در مجموعه مستر مور Moore Mr ، پارچه ابریشمی وجود دارد که در آن تصویر شخصی است که اسیری را با بندی که در گردن دارد می کشد. روش این تصویر شباهت زیادی به نقاشی محمدی نقاش دارد، البته بعید نیست که این شخص برای منسوجات تصاویری تهیه نموده باشد زیرا پدرش سلطان محمد در دربار پهلیماس

به رقابت هستند اگر آنچه را که جهانگردان درباره ی صفوی می گویند صحت داشته باشد باید گفت این دوره درخشان ترین دوره های طلایی صنعت بافندگی و نساجی ایران به شمار می رود زیرا در این دوره شاه، درباریان و بزرگان قوم در لباس هایی که از دیبا و سایر پارچه هایی که به رشته های طلا و نقره مزین بود می خرامیدند، برای اسبان خود بهترین و گرانبهاترین زین و برگ را تهیه می نمودند و در کاخ های شهری و چادرهای سفری خود بهترین فرش ها و پرده ها و اثاثیه ها را که از بهترین انواع پارچه ها تهیه شده بود؛ به کار می بردند و حقیقتاً در به کار بردن پارچه های فوق العاده نفیس، زیاده روی می نمودند به همین جهت کارخانه ها مقادیر زیادی از آنها تهیه می نمودند که علاوه بر مصرف داخلی مقدار عمده ای از آن را تجارت نموده، به بازارهای روسیه و اروپا حمل می کردند و در آنجا نیز اقبال مهمی به آن می شد. نساجان ایرانی نیز بر اثر این اقبال و مرغوبی کوشیده اند تا در بافت انواع و اقسام پارچه ها از قبیل دیبا و پارچه های کتانی و اطلس و مخمل و غیره مهارت یافته و در رنگ آمیزی نیز موفقیت شایانی نصیب خود نمایند آنان توانسته اند دقیق ترین و زیباترین انواع رنگ را به وجود آورده و به کار برند. در تزئین و طراحی نقشه نیز به درجه ای از کمال رسیده اند که مانند آن سابقه نداشته است. به علاوه این نقش و نگارها در قالب بسیار زیبا و جذابی که دلالت بر خوش ذوقی و کمال صنعت میکرد به کار برده شده است.

با پیدایش پارچه های خارجی که در اوایل سلطنت شاه عباس به وسیله تجار انگلیسی و هلندی و روسی به ایران وارد کردند؛ اثرات بدی روی بازار ایران و مردم گذاشتند و مردم اقبال از پارچه های خارجی نمودند ولی شاه عباس به فوریت جلوی این کار را گرفت و ششم تجارت و توانایی و سرمایه خود را به کار بست و در کار هنرمندان نقاش که خود سر آمد جهانیان بودند طرح های زیبا و ابداعات جدیدی در فن پارچه بافی به کار گرفت و با قرار دادن سرمایه خود در این راه کمک شایانی به تولیدات نساجی نمود و تولیدات خود را به عنوان هدیه برای سلاطین و شاهزادگان کشورهای مختلف ارسال نمود و تولید پارچه را تقویت نمود.

با به کارگیری کنترل قسمت های گمرکی و دستور پایاپای اجناس خارجی با ایران و ممنوعیت خروج ارز از مملکت صنایع دستی و صنایع نساجی را به طور کلی از سقوط محافظت کرده و باعث رونق بازار آنها گردید. تجار انگلیسی برای آنکه بازار در ایران در دست داشته باشند پارچه های پارچه های پشمی خود اعم از گاباردین و ماهوت به رنگ های مختلف و پارچه دیگری پشمی خود را با گز اصفهان،

شهر قرار دارد و بنایش موقعی صورت گرفته است که شاید آن را از نظر وسعت و سبک معماری و اصول شهرسازی در مغرب زمین نداریم؛ عملکرد آن قابل توجه بوده است.

این میدان، زندگی شبانه جالبی را برای علاقه مندان عرضه می کرد به طوری که تعداد زیادی از بازیگران، شعبده بازان، خیمه شببازان، قصه گوینان، بندبازان، درویشان و سیرک بازان که جنگ شیر، گاو، قوچ، خروس و سایر حیوانات را راه می انداختند، مشغول هنرنمایی بودند. ضمناً میدان، محل چوگان بازی نیز بوده که دو دروازه قدیمی با میل های سنگی آن هنوز پابرجاست. مسابقات تیراندازی که به نام "قیق اندازی" نامیده می شد و جوانان با اسبان خود چهار نعل می تاختند و بر روی دیرکی به ارتفاع ۱۲۰ پا جام زرین را نشانه می گرفتند نیز در میدان برگزار می گردید.

میدان نقش جهان اولین میدان در دنیا می باشد که دارای همه گونه شرایط زندگی را در خود جمع دارد و هیچ کدام از میدانهای عظیم جهان که مشهور هستند؛ بدین منوال نیستند. میدان نقش جهان به طور کامل طراحی و ساخته شده به طوری که در آن انواع مسجد برای جنبه دینی، انواع بازار (اعم از بازار آهنگرها، بازار مسگرها، بازار قنادها، بازار حیوانات، بازار چیت سازها، بازار کفاش ها، بازار نجارها، بازار رنگرزه ها، بازار فرش فروش ها، بازار دواتگرها، بازار زرگرها، بازار تیماج فروش ها، بازار باغ ها، بازار صراف ها، بازار ترمه و پارچه فروش ها، بازار عتیقه فروش ها، بازار قلمزن ها، بازار خاتم سازها، بازار کلاه دوزان، چندین حمام، چندین مدرسه، چندین شفاخانه، قهوه خانه و انواع مایحتاج بشر در آن آماده باشد که هر انسان هر موردی تقاضایی دارد در این میدان به آن می رسد.

شاه عباس، علاقه فراوانی به تولیدات پارچه و کارگاه های تولیدی آن داشت و مرتب به انواع کارگاه ها سر می زد و سفارش های لازم را ارائه می نمود. المقدسی - جغرافی دان عرب - می نویسد "شهرهای شوشتر، یزد، فسا در فراهم نمودن موضوعات مختلف بر تمام شهرها برتری دارد. در این شهرها انواع پارچه ها تافته و زری می بافند که با طلا و نقره زینت داده و بافته می شود و نظیر آنها در هیچ جای دیگر دنیا دیده نمی شود."

فرش های گرانبهایی که برای خلیفه یا برای تجارت می بافند در قشنگی و ظرافت و زیبایی نقش بی مانند هستند. پارچه هایی هم با نخ پشمی می بافند که جلوه آنها بسی بیشتر از پارچه هایی است که از ابریشم بافته شده است.

منسوجات پشمی و ابریشمی فسا در همه جا طالب دارد و اشخاص ثروتمند و با سلیقه در خرید آنها با هم



## هنرمندان، پیشه‌وران و صنعتگران دوران صفوی در صنعت پارچه بافی اعجاز کرده‌اند، پارچه‌هایی که نساجان ایران در این دوره بخصوص در زمان شاه عباس بافته‌اند در تمام تاریخ هنر نساجی جهان بی نظیر بوده و همتا ندارد.

به این کار عمل نموده و پرداخته است.

بهترین مراکز نساجی و بافندگی این دوره تبریز، هرات، یزد، اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم، ساوه، سلطانیه، اردستان و شیروان بوده که مخصوصاً کارخانه‌های آنها به نرمی و دقت در بافت و تناسب رنگ‌ها و زیبایی معروف شده است؛ اما زیباترین و قدیمی‌ترین پارچه ابریشمی که منسوب به دوره صفوی است در شهر رشت بافته شده و روپوش مزار حضرت رضا (ع) و در شهر مشهد است. روی این قطعه نام صانع و بافنده آن (میر نظام) و تاریخ آن و سال بافت، ۹۵۶ هجری (برابر ۱۵۴۵ میلادی) موجود است و اما اشکال تزئینی آن عبارت از شاخه‌های نباتی و گل‌های کوچک و خطوط می‌باشد.

امروزه در موزه‌ها و یا مجموعه‌های آثار نفیس (کلکسیونرهای) شخصی پارچه‌هایی از منسوجات دوره صفوی یافت می‌شود که بعضی از آنها خیلی شباهت به اسلوب و روش سلطان محمد نقاش معروف دارند. اما زیباترین این قماش‌ها پارچه‌ای است که در موزه ویکتوریا و آلبرت قرار دارد و در آن صورت سواری بر روی زمینه‌ای پوشیده از گل و برگ و شاخه درخت دیده می‌شود و بسیار شبیه به اسلوب میر نقاش است که تصور می‌رود پس از سلطان محمد عهده دار ریاست انجمن شاهی فنون و صنایع شده است. نمونه دیگر از تنوع منسوجات در دو طرف روپوش (خمار) دربانی است.

### شرایط کار و تولید در زمان شاه عباس و مقدار کارخانه‌های متعلق به شاه

هر صنعتی دارای کارخانه‌های مخصوصی است با عملیات مخصوص و در آنجا هر کسی دارای دکان ویژه شغل خود می‌باشد که اجازه ندارد در محل خارج یا منزل خود کار نماید. این کارخانه‌ها در تحت اداره یک نفر مباشری است که رییس آن صنعت است و آنرا مشرف می‌گویند و یک نفر نوکر هم دارد و حساب عمله جات و کارهای آنها و اجرت هر کدام را نگاه می‌دارند (ترجمه شاردن - صفحه ۲۷۸).

شاه عباس، کارخانه‌های متعدد پارچه بافی در اصفهان، کاشان، یزد و شوشتر با سرمایه خود ایجاد نموده بود که در آن‌ها انواع پارچه‌های نفیس را توسط سرپرستان مجرب تولید و به تمام دنیا توسط تجار صادر می‌نمود.

در رشته‌های دیگر، ۳۲ کارخانه صنعتی که هر یک، ۱۵۰ نفر کارگر دارد، نقاش‌ها در این زمان ۷۲ نفر و خیاط‌ها ۱۸۰ نفر هستند.

مدیر عمومی کلیه کارخانه‌های صنعتی و مباشرینی که جهت شاه کار می‌کنند، در شهر و روستا (اریاب تحویل) می‌نامند و ناظری که مباشر کلیه عایدات سلطنتی است و به حساب‌ها رسیدگی می‌کنند؛ سالی یک بار که معمولاً در تابستان می‌باشد؛ پس از رسیدگی به حساب‌ها دستور پرداخت اجرت کارگران را می‌دهد. مخارج این ۳۲ کارخانه را از روی تحقیق نمی‌توان معین نمود لیکن پس از تحقیقات زیاد تخمینی که به تحقیق نزدیکتر است؛ مبلغ ۵ میلیون می‌باشد.

اجرت بعضی از کارگران در یک سال، ۵۳ تومان است. بعضی دیگر فقط سالیانه ۷۰ و یا ۸۰ فرانک اجرت دارند. معمولاً هر سه سال یکبار اجرت کارگران افزایش پیدا می‌کند و در پایان سه سال انعامی به اندازه اجرت یک ساله از طرف شاه یا صدر اعظم یا مباشرین آنها به کارگران داده می‌شود. همچنین انعامی از طرف شاه به اشخاصی داده می‌شود که کار برجسته و یا مهارت و ترقی در صنعت خود حاصل نموده باشند و یا یک نمونه پارچه نفیس استثنایی در صنعت اعلائی تقدیم شاه نموده باشد. میزان خوراکی که به بعضی کارگران داده می‌شود از این قرار است یک دوری خوراک یا نیم دوری یا یک چارک دوری جهت یک نفر و آن را جیره میزان خوراک می‌گویند و هر یک دوری، کفاف خوراک ۶-۷ نفر کارگر می‌باشد.

اولاد کارگران از سن دوازده یا پانزده سالگی می‌توانند داخل خدمت شوند و مواجب پدرها پس از فوت به پسرها داده می‌شود در صورتی که در همان شغل به کار گمارده شوند. ساعت‌سازهای اروپایی اگرچه کارخانه مخصوصی ندارند ولی داخل کارخانه اسلحه‌سازی مشغول می‌باشند که در میدان چهار حوض که متصل به عمارت سلطنتی است چون عده زیادی دارند محل مخصوصی به آنها واگذار شده است. (کتاب‌الاصفهان - میر سید علی جناب - صفحه ۷۸۱).

اصفهان از عهد صفویه تاکنون مدت ۴ قرن مشعل دار علم و هنر ایران زمین بوده است. چون علم و هنر وطن ندارد و شاخه گل هر جا که می‌روید گل است.

دانش و هنرمندی مثل مردم خانه به دوشی است

که به دنبال آب و علف در گردش و حرکت است، هر کجا آب و هوای سازگار و چراگاه خرم و سرسبز دیده فرود می‌آید و آنجا اقامت می‌گزیند و چون محیط زندگانش ناسازگار گردید از آنجا کوچ می‌کند و در محل دیگری که مناسب است؛ مقیم می‌شود.

شاه عباس، مردی اقتصاد دان و مسلط به امور تجارت بود. وی در هنرهای مختلف سرمایه‌گذاری می‌نمود و به محض آنکه هنرمندی را به او معرفی می‌کردند؛ فوراً در کار او سرمایه‌گذاری می‌نمود. اغلب به او اطلاع می‌دادند در فلان شهر یا کشور هنرمندی یا صنعتگری برجسته وجود دارد؛ فوراً دستور می‌داد وی را به اصفهان جلب کنند و مورد تشویق قرار می‌داد و از وجود وی استفاده‌های سرشار می‌برد. این اقدامات باعث شد که اصفهان؛ مرکز صنعتگری و تولیدات هنری دنیا گردد و کلیه تجار دنیا به طرف اصفهان سرازیر شوند.

از قرن دهم هجری که آغاز عهد صفویه است؛ با افتخارترین ادوار صنعتی اصفهان شروع شد. سلاطین صفوی یکی بعد از دیگری مخصوصاً شاه عباس کبیر (۹۸۵-۱۰۳۸ هجری) در ترویج صنایع و تشویق ارباب هنر، فوق العاده همت و کوشش کردند. توجه و اهتمام ایشان در این باره افشاندن بذر بود در سرزمین لایقی که هر تخمی صد تخم حاصل داد. شاه عباس کبیر در سال ۱۰۰۶ اصفهان را پایتخت قرار داد و شروع به آبادانی شهر کرد. وی در ساختن ابنیه رفیع و ترویج انواع هنرهای زیبا و ایجاد شاهکارهای صنعتی پیشقدم بود و دیگران را نیز تشویق می‌کرد. صنعتگران بزرگ از تبریز، قزوین، یزد، کرمان، فارس و دیگر بلاد دور و نزدیک از هر طرف به اصفهان روی می‌آوردند؛ گروهی از ارامنه را از ارمنستان کوچ داد و در جلفای اصفهان موطن ساخت. هدف اصلی او در این عمل علاوه بر منظورهای سیاسی جلب هنرمندان این طایفه بود. هر کجا هنرمندی بزرگ سراغ داشت با نهایت تجلیل و احترام او را به اصفهان می‌آورد و او را چنان مورد حمایت قرار می‌داد که دیگر هنرمندان با اشتیاق هر چه تمام تر به اصفهان می‌آمدند. ملاعبدالباقی تبریزی که از نوابغ خطاطان ثلث نویس بود که کتیبه گنبد بزرگ و صفه رو به قبله و طاق و درب مسجد شاه اصفهان به خط اوست، در بغداد موطن داشت؛ شاه عباس برای دعوت او به اصفهان؛ محمد حسین چلبی را مأمور کرد تا او را از بغداد به اصفهان دعوت نماید. (تذکره نصرآبادی - صفحه ۲۰۷ - چاپ تهران)

شاه عباس خود شمع یا شمعدان طلا به دست می‌گرفت تا رضا عباسی بر روی کاشی نقاشی کند. به طور کلی آثار شاه عباس تا دو نسل پس از وی همچنان پایدار و برقرار باقی ماند.